



تاریخ

مروری کوتاه بر حیات سیاسی سلجوقیان

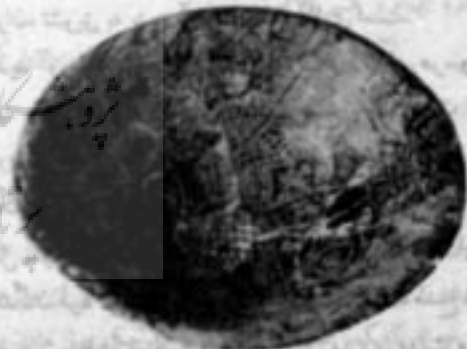
طایفه سلجوق نه قبیله غز یا اغز (ثغر اغز) بودند که در دوره ساسانیان در کنار دریاچه آرال و شرق دریای خزر سکونت داشتند و در جنگهای ساسانیان و خانیان، به علت جهادگری از ساسانیان، محبوب ایشان شدند و ساسانیان نیز مانع حرکت و رفت و آمد آنها نمی‌شدند. سلجوق در اواخر عصر ساسانی، قبیله خود را کوچ داد و در کنار رود سیحون در شهر بخت مقیم شد. نوادگان سلجوق طایفه مذکور را به بخارا کوچ دادند. در سال ۴۲۶ هـ.، سلجوقیان نامه‌ای به مسعود غزنوی نوشتند و خواستار استقرار در خراسان شدند. قشون سلطان مسعود به دفع آنان پرداخت اما شکست خوردند. سه سال بعد، مسعود پس از مراجعت از هند باز هم تصمیم به سرکوبی سلاجقه گرفت اما ترکان در این جنگ پیروز شدند و بر قسم اعظم خراسان دست یافتند و طغرل در نیشابور خود را سلطان خواند. غزنویان در سال ۴۳۰ هـ. از سپاه طغرل هزیمت یافتند و بدین ترتیب سلجوقیان بر تخت نشستند.

پس از این مرحله، طغرل متوجه غرب شد. خلیفه عباسی در بغداد، القائم باقرالله بود که فقط مقامی تشریفاتی داشت و هر گوشه‌ای از غرب در دست امیری و دولتی بود. طغرل برادرزاده خود را در سال ۴۴۹ هـ. به عقد خلیفه درآورد و برای تحکیم پیوندشان، شش سال بعد دختر خلیفه را نامزد کرد اما عذرش وفا نکرد و ناکام ماند. طغرل، سلیمان فرزند چغری بیک را خلیفه محمود مغربی کرده بود، اما با وساطت خواجه نظام‌الملک، البارسلان به سلطنت رسید.

بعد از البارسلان، ملکشاه بر تخت شاهی جلوس کرد. در عصر او وسعت امپراتوری سلجوقی به حد اعلی رسید؛ به طوری که اجرت ملاحان سیحون را به برات انطاکیه حواله می‌دادند. بدون تردید خواجه نظام‌الملک طوسی در قدرتمند شدن سلجوقیان مؤثر بوده است. آخر الامر همین نفوذ و جایگاه عامل قتل خواجه شد و به دستور سلطان به قتل رسید.

آغاز انحطاط. بعد از مرگ سلطان ملکشاه، نزاع بر سر جانشینی پدید آمد و امپراتوری وسیع و قدرتمند سلجوقی، تجدید شد. ترکان تش خاتون، زن سلطان، خواهان سلطنت محمود پسر خردسال خود بود و بدین سبب، برکیارق رازدانی کرد. اما او با شورش مردم آزاد شد و در ۴۸۵ هـ. بر تخت نشست. تاج‌الدوله تش بن البارسلان هم با پشتگرمی خلیفه مدعی تاج و تخت بود. اما در ۴۸۸ هـ. در جنگ با برکیارق در منطقه ری شکست خورد و به قتل رسید.

عبدالله ناصری طاهری

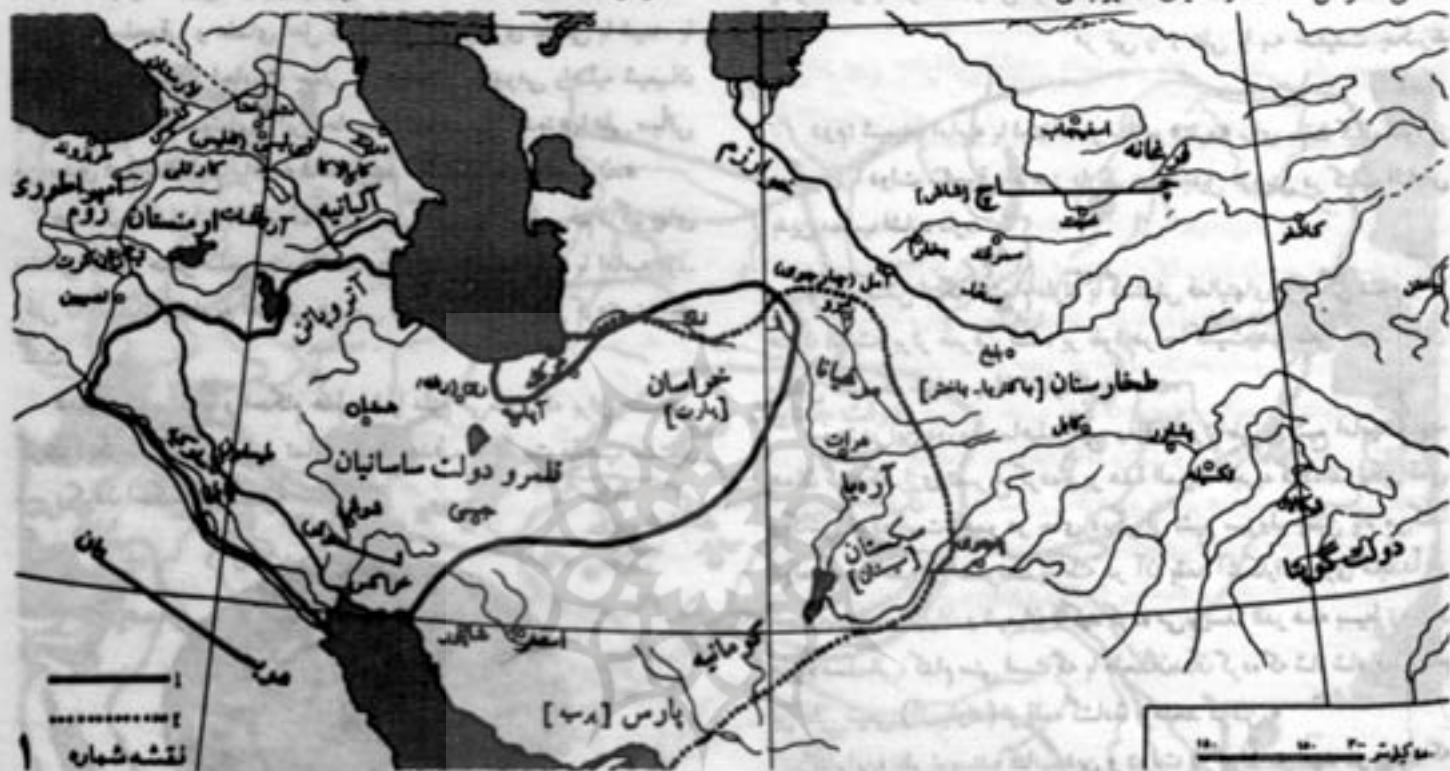


مقاله‌ای که می‌خوانید، کوتاه شده‌ای از مقاله مفصل «سیاست مذهبی سلجوقیان...» نوشته آقای عبدالله ناصری طاهری است که بخشی از آن با عنوان «مروری بر منابع و تحلیل آنها» یکسره به منابع مورد مراجعه نویسنده اختصاص دارد. افزون بر اینها مؤلف در پانوشت چندین صفحه‌ای خود نیز منابع بسیاری را معرفی کرده‌اند که به دلیل محدودیت صفحه‌های مجله ناگزیر به حذف آنها بوده‌ام. با پوزش از نویسنده و خوانندگان به استحضار می‌رسانیم که منابع و ارجاعات مقاله برای استفاده علاقه‌مندان در دفتر مجله موجود است.

هر چند برکیارق جانشین البارسلان و ملکشاه بوده جز عراق عجم و عرب و اصفهان بر مناطق دیگری حکم نراند. پس از ملکشاه بزرگترین سلطان سلجوقی، سنجر بود که از ۱۱۹۰ تا ۱۱۵۱ هـ. امیر خراسان بزرگ بود و از ۱۱۵۱ تا ۱۱۵۲ هـ. ملک المشرق لقب گرفت. عاقبت او به دست ترکان خراسان شد و پس از رهایی از اسارت، در ۱۱۵۲ هـ. وفات یافت.

سلسله سلجوقی با مرگ طغرل سوم به دست خوارزمشاهیان پایان گرفت. شایان ذکر است که سلاجقه روم تا سال ۱۲۷۰ هـ. که توسط ترکان شمالی منقرض شدند، در آسیای صغیر باقی ماندند.

آنها را خرسند کرد و به قول فرخی:
آه و دردا که کتون، قرمطیان شاد شوند
ایمنی یابند از سنگ پراکنده و دار
سلجوقیان هم، این منهج را در پیش گرفتند. پس از تسلط بر خراسان، پیوند خود را با خلافت عباسی اعلام کردند؛ آن گونه که راوندی نوشته:
« ما بندگان آل سلجوق همواره، مطیع و هواخواه دولت و حضرت مقدس نبوی، پیوسته به غزو و جهاد کوشیده‌ایم... مشاهیر و اعیان خراسان از ما درخواست تا به حمایت ایشان قیام نماییم. ما بر محمود غالب آمدیم و



جغرافیای فرقه‌ای و سیاست مذهبی سلجوقیان

خراسان، عیاستگاه دولت سلجوقی، از همان آغاز ظهور اشاعره، در دهه اول قرن چهارم هجری، کانون این فرقه بوده است؛ و اکثر اعظم این فرقه مولود این منطقه بوده‌اند مانند: جوینی، خواجه نظام الملک و غزالی و یا تزیل خراسان بوده‌اند چون: امام فخر رازی. ابوالحسن اشعری مؤسس این مکتب، در کتاب مقالات الاسلامیین، اطاعت پیشوای فاجر و عادل را لازم و ضروری می‌داند؛ و بنابراین گرفتن قدرت از راه غلبه را نفی نمی‌کند. اشاعره با این اعتقاد با معتزله، اسماعیلیه و شیعه امامیه که خلافت عباسی را خاصب و غیر متفق می‌دانستند مبارزه می‌کردند، در این رهگذر شیعیان امامی و اسماعیلی از دولتهای سنی اشعری مسلک بیش از هر فرقه ستم می‌دیدند.

در عصر غزنویان، سیاست ضد شیعیان دولت بیش از هر دوره دیگر، تا آن زمان، در ایران نمودار شد. محمود غزنوی چنان بود که اگر بشنیدی که در اقصای مغرب، بد دینی یا بد مذهبی هست، چندان سعی کردی که او را بگرفتندی. در عمر او زیادت از پنجاه هزار بددین و زندیق را بر دار کشیدی. دشمنی محمود با مخالفین خصوصاً اسماعیلیان به حدی بود که مرگش همه

شکر این موهبت و سیاس این نصرت را عدل و انصاف گستردهم و می‌خواهیم این کار بر نهج دین و فرمان امیرالمؤمنین باشد.»
در عصر سلجوقیان که بنا بر رأی مستوفی، سنی پاک دین و نیکواعتقاد بودند، دو وزیر در گسترش درگیرهای فرقه‌ای بیش از سایرین نقش داشتند: یکی عمیدالملک کنوری وزیر حنفی طغرل که نسبت به اشعریان، شافعیان و شیعیان تعصبی فراوان داشت و همین تعصب عامل مؤثری در تأسیس مدارس نظامیه به دست خواجه بود. زکریای قزوینی گمان برده که او شیعه غالی بوده است و حتی طغرل که او را به وزارت گماشته را نسبت اعتزال داده است... در حالی که می‌دانیم شافعی بودن قزوینی و تعصبش نسبت به حنفیها از جمله کنوری باعث این رأی شده است. و طغرل هم بنا بر گزارش ابن خلدون در محله کرخ بغداد دستور داد بجمعه الصلاة غیر من التوم را به اذان اضافه کنند... دیگری خواجه نظام الملک بود که با سیاست حمایت از شافعیان و تأسیس مدارس نظامیه فصل جدیدی در مبارزات مذهبی آغاز کرد. و ما در ادامه نوشتار بدان می‌پردازیم.
سلجوقیان تا قبل از وزارت خواجه خود از حامیان حنفیه بودند و هم

گفته است: «از اشرف الاسلام اصفهان پرسیدند چه گویی در رافضی و ملحدی؟ گفت: «شما یکی کار کنید و از میان دو برادر سخن مگویید.» عالم و نویسنده متعصب مذکور در جای دیگر شیعیان را متهم می‌کند به اینکه دارای فقه و شریعت نیستند و به اجتهاد مجتهدان و رأی و قیاس سخن بگویند. قزوینی در جواب، منابع عمده فقه شیعه را برمی‌شمرد. همچنین اتهام دیگر در این خصوص است که شیعه را درس و مدرسه نباشد. عبدالجلیل، مدارس شیعه و شاگردان علمای بزرگ را که بالغ بر چهار صد تن بوده‌اند از جمله شریف مرتضی را ذکر می‌کند.

عبدالجلیل قزوینی نوشته است: «... و کاشان بحمدالله و منه منور و مشهور بوده است همیشه و بحمدالله به زینت اسلام و نور شریعت و قواعد آن از مساجد جامع و مساجد دیگر... یا قوت حموی معتقد است «اهلها کلهم شیعة امامیه».

همان‌گونه که استاد عزیزالله بیات گفته‌اند: «در کاشان پیروی از تشیع مؤکد است در دوره‌های مختلف و اینکه شاهان صفوی بر این شهر تأکید دارند و علاقه‌مند هستند از این روی است.»



عبدالجلیل قزوینی نوشته است: «... و کاشان بحمدالله و منه منور و مشهور بوده است همیشه و بحمدالله به زینت اسلام و نور شریعت و قواعد آن از مساجد جامع و مساجد دیگر... یا قوت حموی معتقد است «اهلها کلهم شیعة امامیه».

مرحوم شیخ عباس قمی در جلد دوم سفینه البحار حدیثی از امام صادق نقل می‌کند: «قَمٌ بَلَدٌ نَا وَبَلَدٌ شِيعَةٌ» عبدالجلیل قزوینی هم در النقض احادیثی در مورد سابقه تشیع قم آورده است. ابن حوقل در صورة الارض، مذهب غالب در قم را تشیع دانسته و مقدس در احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، قمیان را شیعه غالی می‌داند. مؤلف حدود العالم به تشیع آنان اشاره دارد. حمدالله مستوفی می‌نویسد: «مردم آنجا، شیعه اثنی عشری‌اند و به خابت متعصب». صاحب آثارالبلاد و اخبار العباد چنین توصیف می‌کند: «مذهب سکه قم تشیع است. دوازده امامی هستند و در مذهب غلو می‌کنند.» قزوینی رازی نوشته: «معلوم است که در شهر قم که همه شیعت‌اند آثار اسلام و شعار دین و قوت اعتقاد چون باشد...»

حال می‌پردازیم به سیمای جغرافیای فرقه‌ای: از جمیع بندی مطالب کتاب النقض، تیسرة العلوم، آثارالبلاد و راحة الصدور بر می‌آید که عمده مراکز شیعه قم، کاشان، آبه یا آوج، نقرش، طبرستان و تا حدودی نیشابور و سبزوار بوده است. راوندی شعری را از شاعری به نام شمس‌الدین لاغری نقل می‌کند که تا حدودی مؤید این مطلب است:

خسروا هست جسای باطنیان قسم و کاشان و آبه و طبرش
آبسروی چهار پسا رسدار و اندرین چار جسای زن آتش
پس فراهان بسوز و مصلحگاه تا چهارت ثواب گسرده شش

کاشان

زکریای قزوینی می‌نویسد: «اهل کاشان شیعه امامیه‌اند و در مذهب غلو می‌کنند.»

یاقوت حموی می‌نویسد: «آبه شهری است کوچک میان ری و همدان و از آن تا ساوه پنج میل است. مردم آن مذهب شیعه دارند و در فرستهای مختلف جنگهای بسیاری میان مردم آبه و ساوه بر سر مذهب روی داده است.»

قزوینی می‌نویسد: «اهل آبه از غلات شیعه هستند. با اهل ساوه که همه سنی هستند میانه‌شان شکرآب است.» عبدالجلیل قزوینی ضمن برشمردن مظاهر تشیع آبه، حدیثی از پیامبر اکرم (ص) در فضیلت این شهر نقل کرده است.



در بین جغرافی‌نگاران فقط زکریای قزوینی تشیع ری را کتمان می‌کند.

همدان

در مورد همدان، به صراحت و روشنی شهرهای مذکور نمی‌توان سخن گفت. عبدالجلیل قزوینی رازی استاد دارد که سابقاً مشیهه بودند و امروز در همدان حنفیان وجود دارند. نویسنده فرمانروایان گننام از قول ابن القوطی نوشته که مردم همدان، در عصر ابوهاشم علاءالدوله و به دست او به شیعه گرویدند. همین نویسنده اشاره دارد که قوام‌الدین احمد (نظام‌الملک ثانی) وزیر محمدبن ملک‌شاه، به سلطان نامه نوشت و از ثروت ابوهاشم علاءالدوله و تشیع مردم همدان به او شکایت کرد. ابوهاشم همراه سه پسر خود، هفتصد هزار دینار به نزد سلطان سلجوقی فرستاد تا دفع شرکند. و اما زکریای قزوینی به تشیع مردم همدان هیچ اشاره‌ای ندارد.

سبزوار

بنا به گزارش صاحب‌التفصیح سبزوار یا بیهق در عصر سلجوقیان، کانون شیعه بوده است: «اما سبزوار بحمدالله و مته هم، محل شیعه و اسلام است آراسته به مدارس نیکو و مساجد نورانی... و لغت ملاحظه و خصومت بواطنه در آن تبعه آشکارا و درس و مناظره و مجلس و ختمات قرآن متواتر.» سایر مناطق خراسان در عصر سلجوقی، از مراکز اهل سنت است جز قصباتی چند مانند قریه سناپاد، نزدیک طوس که بنا به گفته صاحب‌کتاب روضات الجنات شیعه بوده و در تزئین قبر امام رضا (ع) مبالغه کرده‌اند. خواجه نظام‌الملک نوشته است: «... و دیران خراسانی حنفی مذهب یا شافعی مذهب پاکیزه باشند.» نویسنده بیان‌الادیان که معاصر سلاجقه است می‌نویسد: «و فقهای خراسان که از اصحاب ابوحنیفه‌اند در اصول مذهب سنت و جماعت دارند.» و از طبقات الشافعیه شیخی و نهج الحق و کشف الصدق حلی برمی‌آید که عموم مردم و فقهای خراسان اشعری‌اند.

اصفهان

بدون تردید اصفهان تا روی کارآمدن دولت صفوی، همیشه از کانونهای تشیع به شمار رفته است. مورخان نقل کرده‌اند که مردی زنش را به بجرم زنا

ری

اکثر مردم ری تا قرن سوم هجری سنی بوده‌اند و در زمان حکومت علویان طبرستان، به تشیع گرویدند. ابوجعفر اسکافی از علمای معتزله در قرن سوم به تغییر مذهب اهالی ری و استبصار آنها اشاره کرده است. حضور بزرگانی چون صدوق، کلینی و دیگران در قرن چهارم به بعد در ری حکایت از تشیع مردم این شهر دارد. عمود مورخان و جغرافی‌نگاران بر این مسئله تأکید دارند. یاقوت حموی در معجم‌البلدان بر تشیع مردم ری، معترف است. مستوفی می‌نویسد: «اهل شهر و اکثر ولایات شیعه اثنی عشری‌اند الا دپه قوه که حنفی باشد.» قزوینی مدارس شیعه در ری را برمی‌شمرد و بر تشیع مردم زادگاه خود تأکید دارد.

ابن اسفندیار در مورد حسام‌الدوله اردشیر آل باوندی که در نیمه قرن پنجم، طبرستان را از دست سلاجقه و آل وشمگیر ستاند، می‌نویسد: «در یک نوبت فقط بیست و سه هزار دینار آملی از خزانه بیرون کرد تا به طبرستان و ری، علوی دختران درویش را به علوی پسران درویش بدهند.»

شایسته است بدانیم در بین جغرافی‌نگاران، فقط زکریای قزوینی، تشیع ری را کتمان می‌کند و می‌نویسد: «مردم ری، همگی یا شافعی یا حنفی. مذهب هستند شافعیان از حنفیان کمترند.»

خلیفه عباسی در بغداد، فقط مقامی تشریفاتی داشت و هر گوشه از غرب در دست امیری و دولتی بود.



بعد از خواجه، بایستی به نقش غزالی اشاره کرد. او که بنا به نظر اهل سنت مجده قرن پنجم هجری است، کلامش در جامعه اهل سنت ایران و جهان در عصر سلجوقی نافذ بوده است و با مبارزه فکری و عقیدتی علیه شیعه امامیه و اسماعیلیه، ذهنیت جامعه سلجوقی را علیه آنان حادث کرد. او معتقد بود باطنیه در ظاهر، رافضی‌اند و در باطن، کافر. همچنین ضمن تأکید بر تعلق امامت جامعه به قریش، رأی و بیعت را شرط مشروعیت امام دانسته و قیام‌کننده علیه رأی اکثریت را طاعی می‌داند. تمام اندیشه سیاسی او در مشروعیت



خلافت و سلطنت خلاصه شده و طبیعتاً هر مبارزه علیه خلافت و سلطنت را مبارزه علیه دین و حق دانسته است. براین اساس، اسماعیلیان و شیعیان ضد حکومتی مهدورالدم تلقی می‌شدند. وی با تألیف قریب ده اثر علیه اسماعیلیان و باطنیه نقش عمده‌ای در مبارزات ضد شیعی عصر سلجوقی داشته بنابراین می‌بایست خواجه و غزالی را مصدر و منبع مبارزات مذهبی در قرن پنجم دانست.

کتک می‌زد، زنش با توسل به قضا و قدر می‌گفت که تقصیر او نیست. خداه چنین خواسته است. مرد که عصبانی شده بود گفت: زنا که داده‌ای! عذر بدتر از گناه می‌آوری! زن فریاد زد، وای بر تو سنت را ترک کردی و به مذهب «صاحب بن عباد»، (منظور تشیع است) گرایش پیدا کرده‌ای. مرد تأمل کرد و شلاق را انداخته و از زن عذرخواهی کرد و به او گفت: «أَنْتِ سِنِيَّةٌ حَقًّا»

آل صاعد و آل خجند معاصر سلجوقیان در اصفهان‌اند که اولی حنفی و دومی شافعی مذهب است که این دو با یکدیگر و هر دو با اسماعیلیان قهندز (قهندز) خارج اصفهان درگیر بودند. و جمال‌الدین اصفهانی با افکار و عقاید اسماعیلیه و معتزله مبارزه کرده است.

بنا به گفته عبدالجلیل قزوینی، از مراکز دیگر اهل سنت در این عصر، ساوه، نهاوند و خوزستان، لار و پروجرده، قزوین و آذربایجان است که از این میان ساوه با توجه به نزدیکی اش به آبه، اهمیت خاصی دارد.

یکی از مراسم رایج شیعیان در عصر سلجوقی، مناقب‌خوانی بوده است که بنا به گزارش عبدالجلیل قزوینی رازی، تعدادی از مناقب‌خوان را در عصر ملکشاه، زیان بریدند. سیان برای مبارزه با این پدیده شیعی، فضایل خوانی را آغاز کردند.

محمود غزنوی چنان بود که اگر بشنیدی که در اقصای مغرب بددینی یا بد مذهبی هست، چندان سعی کردی که او را بگرفتندی....

نقش خواجه و غزالی در سیاست مذهبی سلجوقیان

قدرت خواجه در دولت سلجوقی قابل بیان نیست و این موضوع اظهار من‌الشمس است، از باب نمونه می‌توان مسطه احداث مدرسه در محله کوزان اصفهان توسط ملکشاه و برخورد خواجه در تقدم اسم شافعی بر حنفی نزد کتیه مدرسه را اشاره کرد.

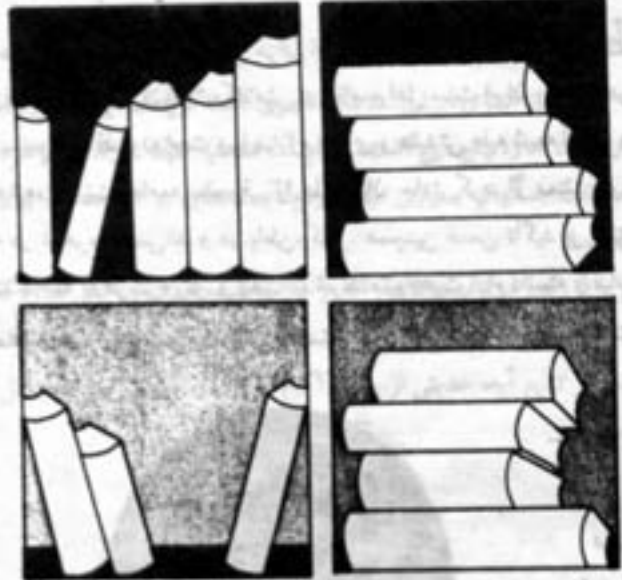
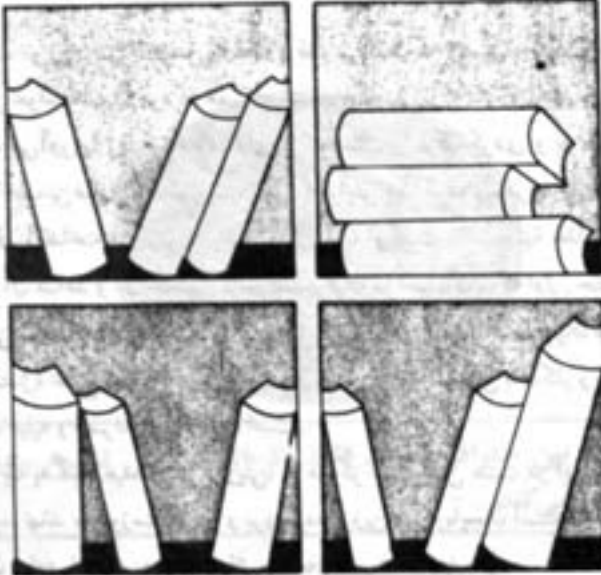
مهمترین اقدام خواجه در مبارزات مذهبی، تأسیس مدارس نظامیه بود. او به پیروی از سیاست فاطمیان مصر و شام در تأسیس جامع‌الازهر این مدارس را بنا کرد و هدفش تبلیغ مذهب خاص و مبارزه با سایر مذاهب بود. ارزیابی نتایج مثبت و منفی مدارس نظامیه از حوصله این نوشتار بیرون است اما در یک کلام می‌توان گفت که خواجه به مقصود رسید.

مطالب سیاست‌نامه حکایت از عناد خواجه نظام‌الملک با شیعه دارد. هر چند بوده‌اند کسانی چون عبدالجلیل قزوینی از متقدمین، که نسبت به خواجه خوشبین و در رد ادعاهای نویسنده بعضی فضائح الروافض گفته است: «هر یک از این جماعت - علمای شیعه - از نظام‌الملک عطایای بسیار و صلتهای عظیم ستوده‌اند» و از متأخرین مثل استاد حسین کریمان در کتاب «طبرسی و مجمع‌البیان» که معتقد است شیعه در زمان خواجه راحت بوده است.



مرح طغرل شهر ری بناگر معماری دوران سلجوقی، بنای امروزی عظیمی است که بلندی آن در حدود ۲۰ متر می‌باشد.

کنکاشی در آرشیوهای عثمانی



واژه «آرشیو» ریشه در زبان فرانسه دارد و به محلی اطلاق می‌شود که در آن مواد خاص از جمله اوراق و اسناد را نگهداری می‌کنند. آرشیو را عموماً به عنوان خزانه فرهنگی و تاریخی و سند موجودیت ملت‌ها و به نام پلی می‌شناسند که ارتباط میان گذشته و حال را برقرار می‌سازد.

در اروپا از اواسط قرن ۱۴ میلادی اقداماتی برای ایجاد آرشیو آغاز شد. از این تاریخ به بعد دولتهای اروپایی به اهمیت اسناد موجود در آرشیوها پی برده و از آنها در امور مختلف از جمله دعای ملکی استفاده کردند. آرشیو به مفهوم امروزی در قرنهای ۱۸ و ۱۹ پدیدار گشت و نخستین کشوری که بدان دست یافت فرانسه بود.

روزهای کسب قدرت به فکر تأسیس آرشیو جهت حفظ اسناد و اوراق خود افتاد. اصولاً در تفکر عثمانی کاغذ و مخصوصاً کاغذ مکتوب جای ممتازی داشت و کلیه اسناد حتی کوچکترین مسودات را نیز در صندوقها و کیسه‌ها نگهداری می‌کردند. در این مورد فرمانی از سلطان عبدالحمید اول خطاب به رئیس‌الکتاب وجود دارد که در سال ۱۱۰۰ هجری صادر شده و طی آن به اهمیت اسناد و حفظ دقیق آنها اشاره شده است. اسناد در دوره عثمانی به قدری اهمیت داشتند که حتی سلاطین نیز به حفظ قوانین و رعایت مقررات موظف بودند. به علاوه اختصاص خزانه‌ای به نام «خزینة اوراق» در کنار دو خزینة مهم (خزینة دفترخانه و خزینة مالیه) حاکی از اهمیت آرشیو نزد عثمانیان است. آنان سعی می‌کردند تا از سرقت و تخریب اسناد جلوگیری شود و برای افرادی که ضرری متوجه اسناد و اوراق می‌کردند جزای سنگینی تعیین کرده و در بعضی مواقع مجرم را به قطع ید و حتی اعدام نیز محکوم می‌ساختند.

نطفه آرشیوهای عثمانی با تأسیس دیوانی بسته شد که مکاتبات دولتی را

تا عصر مشروطیت، اسناد وزارت امور خارجه عثمانی به زبان فرانسه بود و از آن تاریخ به بعد به ترکی عثمانی نوشته می‌شد.

آرشیو خزانه فرهنگی و تاریخی یک ملت و پلی میان گذشته و حال است

آرشیو به مفهوم نوین در قرون هیجده و نوزده پدید آمد و نخستین کشوری که بدان دست یافت فرانسه بود.

آرشیوها که حافظه تاریخی یک ملت محسوب می‌شوند در دوره معاصر از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. تمام دولتها بر این اهتمام‌اند تا از آسیب‌پذیری این حافظه که سند هویت فرهنگی جامعه باشد جلوگیری کرده، در حفظ و اشاعه آن فعال باشند. امپراتوری عثمانی نیز از آغاز در فکر تأسیس پایگانی اسناد بود و این مهم در فرمان سلطان عبدالحمید به رئیس‌الکتاب وقت دولت عثمانی مشهود است. در این نوشتار موجز مراحل تشکیل آرشیوهای عثمانی معرفی می‌شوند.

در اختیار داشت. متعاقباً دیوانهای خاص در بیگ‌نشینها (کارامانیان، ساروخانیان و غیره) نیز تأسیس شد و حفظ اسناد و اوراق دولتی در سطحی گسترده تحقق یافت. همه متفق القولند که آرشیوهای عثمانی با دارابودن حدود ۱۵۰ میلیون سند یکی از غنی‌ترین خزاین تاریخی دنیاست. با توجه به اینکه اسناد موجود در این آرشیوها تمام جوامع سیات ترکان را دربر دارد، آنها را نمی‌توان جدا از تاریخ ترک دانست. امپراتوری عظیم عثمانی شامل دولتها و ملت‌های گوناگون با بیش از شصت میلیون نفر جمعیت بود که در سه قاره جهان در شش میلیون کیلومتر مربع می‌زیستند. از سوریه تا عراق، از لبنان تا عربستان سعودی، از مصر تا یمن، از لیبی تا تونس، از الجزایر تا کویت و برخی شیخ‌نشینهای خلیج فارس همه زیر لوای این امپراتوری بودند و کشورهای چون یونان، بلغارستان، یوگسلاوی، مجارستان و آلبانی مستملکات آن به شمار می‌رفتند. بدین جهت است که آرشیوهای عثمانی در بررسی تاریخ این کشورها نیز نقش اساسی بازی می‌کنند.

در پاره‌ای از این کشورها در رابطه با آرشیوهای عثمانی مراکز متعددی فایز شده است. ناگفته نماند که تعداد زیادی از اسناد عثمانی در خارج از مرزهای ترکیه امروزی نگهداری می‌شوند. اسنادی که در «دارالمحفوظات القومیه» (قاهره) و یا در سرای «الحمراه» (طرابلس) مضبوطند جزو این اسناد به شمار می‌آیند و آرشیو موجود در راگوسا واقع در یوگسلاوی اهمیت مشابهی چون آرشیوهای عثمانی دارد.

در دوره‌های قدیمتر، آرشیو مؤسسات دولتی در ساختمان معظم توپقای استانبول قرار داشت. در داخل کاخ‌های عثمانی نیز آرشیو خصوصی در رابطه با زندگی افراد حرم ایجاد شده بود. ترک‌ها که با فرهنگ و تمدن اروپا ارتباط مستقیم داشتند، در قرن نوزدهم به اهمیت آرشیوهای اروپایی پی برده و درصدد تشکیل یک آرشیو جدید برآمدند. به این لحاظ، فوساتی، معمار ایتالیایی و سازنده ساختمان‌های دارالفنون مأمور اجرای طرح بنای آن شد و در باغچه باب عالی به کار پرداخت. کار ساختمان سه ساله طول کشید و در اواخر سال ۱۸۱۹ میلادی مورد بهره‌برداری واقع شد. ترک‌ها این مؤسسه را «خزینة اوراق» می‌نامیدند. از نیمه دوم قرن نوزدهم تشکیلات اداری عثمانی در الگوی خزینة اوراق، آرشیوهای ویژه برای خود تهیه دیدند و از این راه وزارتخانه‌هایی چون خارجه، اوقاف، نایفه، عدلیه و مذهب آرشیوهای ترتیب دادند و دستگاه صدارت نیز برای خود آرشیو ویژه‌ای ایجاد کرد که بعداً به خزینة اوراق منتقل گردید.

در دوره‌های بعدی نیز دولتهای عثمانی اقدامات مؤثری در حفظ و نگهداری اسناد و طبقه‌بندی آنها به عمل آوردند. در اوایل قرن بیستم، اهمیت آرشیو نه فقط در امور اداری، که در تحقیقات علمی نیز مطرح شد و علمای ترک و خارجی برای نخستین بار به پژوهش در آرشیوهای عثمانی پرداخته، به نشر اسناد تاریخی در راه اهداف علمی آغاز کردند. نشر مقالات متعدد در نشریه انجمن تاریخ عثمانی، دنیا را با غنای این آرشیوها آشنا ساخت.

پس از جنگ جهانی اول و به دنبال آن جنگ استقلال، امپراتوری عثمانی فرو ریخت و فصل جدیدی در آن کشور آغاز شد. در دوره

در عصر جمهوریت، به منظور حفظ اسناد، واحدی به نام «ممیزی مخزن اوراق» وابسته به نخست‌وزیری تشکیل گردید. این واحد فهرستی از اسناد تهیه نمود.

در دوره عثمانی، اسناد آقدر اهمیت داشت که سلاطین عثمانی نیز موظف به رعایت قوانین (در نگهداری اسناد) بودند.

جمهوریت برای حفظ اسناد و اوراق، صدارت واحدی به نام «ممیزی مخزن اوراق» وابسته به مدیریت دفتر مخصوص نخست‌وزیری تشکیل گردید. از اقدامات مهمی که در دوره جمهوریت در رابطه با آرشیوها انجام گرفته، بررسی و تهیه فهرست ۱۸۱۲۵۶ سند در ۱۶ موضوع مختلف است که توسط کمیته‌ای تحت نظارت معلم جودت صورت گرفته است. این کمیته که در سال ۱۹۳۲ تأسیس شده بود در عرض ۵ سال به این مهم دست یافت.

قابل ذکر است که اسناد مربوط به وزارت امور خارجه در دوره عثمانی به زبان فرانسه است. زیرا در آن عصر زبان مزبور زبان دیپلماسی محسوب می‌شد. فقط از مشروطیت دوم به بعد است که این اسناد به زبان عثمانی نوشته شدند (۱۹۰۸). تعداد زیادی از اسناد (قریب به ۶/۵ میلیون) که در وزارت دفاع نگهداری می‌شوند اغلب مربوط به جنگ‌هایی هستند که صورت گرفته (مانند جنگ روس و عثمانی، جنگ عثمانی و یونان) و یا انقلاب‌هایی که واقع شده‌اند (مانند اسناد محاکمه حادثه متعمن).

در آرشیو موقوفه‌جات که در سال ۱۹۳۶ به آنکارا انتقال یافته، بیش از دو هزار سند ثبتی، ۲۷ هزار سند موقوفه و ۲۵۰ هزار سند از انواع مختلف از جمله دفاتر اساس، دفاتر تفصیلی فرامین، دفاتر احکام، دفاتر خزانه، ... است. قدیمترین سند مضبوط در این آرشیو (اواسط رجب ۱۱۰ هجری) مربوط به زاویه‌ای واقع در قصبه پولور باهال از توابع پاسین است که توسط طغرل سلجوقی جهت سید شریف خلیل دیوانی از اعیان امام محمد باقر (ع) و یکی از افراد معروف کرمان ساخته شده است.

تاکنون از اسناد آرشیو توپقای سرای، دو مجلد به نام «راهنمای آرشیو موزه توپقای سرای» در سالهای ۱۹۳۸ و ۱۹۱۰ به طبع رسیده و در سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۸ نیز دو جزوه جدید از فهرست این آرشیو انتشار یافته است. علاوه بر آرشیوهای که اجمالاً از آنها یاد شد، تعداد زیادی مواد آرشیوی در اماکن دیگر نیز مضبوط است. پاره‌ای از آنها در کتابخانه‌ها و موزه‌هاست و برخی به حالت نامطلوب در دست افراد و مؤسسات خصوصی باقی مانده است. تهیه فهرستی جامع از آرشیوهای عثمانی، پژوهشگران را در بررسی‌های علمی یاری کرده و به نکات تاریخی بعضی از کشورهای جهان روشنی خواهد بخشید.

خوشبختانه در سالهای اخیر مقامات ترکیه به مسئله آرشیوهای عثمانی توجه مخصوصی داشته و هم‌اکنون عنایت بیشتری از سوی صاحب‌نظران و افراد متخصص در این زمینه به عمل می‌آید.